



خاطره یکی از بزرگان مکتب تفکیک درباره مکاشفات شیطانی

آیت‌الله زربآبادی یکی از ارکان اصلی مکتب تفکیک (جداسازی دین از فلسفه) در مکاشفات خود تا حدی پیش رفته بود که آن سوی دیوار را می‌دید.

آیت‌الله زربآبادی یکی از ارکان اصلی مکتب تفکیک (جداسازی دین از فلسفه) در مکاشفات خود تا حدی پیش رفته بود که آن سوی دیوار را می‌دید.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، امروز سالروز رحلت آیت‌الله سیدموسی زربآبادی است که یکی از بنیان‌گذاران مکتب تفکیک به شمار می‌رود. وی در حدود سال 1256 شمسی در قزوین به دنیا آمد؛ زربآبادی در این شهر و تهران از محضر حضرات آیات: میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا حسن کرمانشاهی، شیخ فضل‌الله نوری و ... استفاده کرد و در علوم عقلی و نقلی به استادی رسید.

سید موسی در علوم غریبه یکی از استادان مسلم و متبحر بود و در مراحل تقوی و تهذیب نفس و سلوک شرعی نیز از نخبگان عصر خود به شمار می‌رفت، لیکن استادان و مربیان او در این زمینه‌ها شناخته شده نیست.

آیت‌الله زربآبادی به همراه میرزا مهدی اصفهانی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، سه رکن عمده مکتب تفکیک را در سده چهاردهم هجری تشکیل می‌دهند.

براساس این مکتب که ایشان از بزرگان آن است، ناب‌سازی و خالص ماندن شناخت‌های قرآنی و فهمیدن این شناخت‌ها و معارف به دور از تأویل و مخلوط شدن با افکار و نیز بر کنار از تفسیر به رأی از اهداف آن به شمار می‌رود. به بیان دیگر، جریان مکتب تفکیک بر این باور است که ما کلام تعقل می‌خواهیم اما اصول فلسفی مانند قدم عالم، وحدت وجود و ضرورت علت و معلول را قبول نداریم. یعنی جداسازی دین از فلسفه، و نقد و تخطئه عالمانه فلسفه.

آیت‌الله زربآبادی سالیان متمادی به تدریس پرداخت و شاگردان بسیاری پرورش داد که از جمله آن‌ها شیخ مجتبی قزوینی، شیخ علی‌اکبر اللهیان تنکابنی، شیخ علی‌اصغر شکرناهی و سید ابوالحسن حافظیان مشهدی و شیخ هاشم قزوینی خراسانی است.

آیت‌الله زربآبادی سرانجام در بیست و چهارم تیر ماه 1313 ش برابر با دوم ربیع‌الثانی 1353 ق در 59 سالگی به سرای باقی شتافت و در صحن امامزاده حسین قزوین به خاک سپرده شد.

* مکاشفه شیطانی

علی اکبر مهدی‌پور در کتاب «اجساد جاویدان؛راquo؛ به نقل از آیت‌الله زربآبادی می‌نویسد: در روزهایی که در قزوین امام جماعت بودم مدتی به سیر و سلوک پرداختم، و به قدری پیش رفتم که پرده‌ها از جلو چشم برداشته شد، دیوارها در برابر من حایل نبود، وقتی که در خانه نشسته بودم، رهگذرها را در کوچه و خیابان می‌دیدم. روزی به من گفته شد: حال که به این مقام رسیده‌ای، اگر بخواهی به مدارج بالاتر و مقامات والاتر برسی، فقط یک راه دارد، و آن ترک اعمال ظاهری است.

آیت‌الله زربآبادی گفت: این اعمال ظاهری با دلایل قطعی و براهین مسلم شرعی به ما ثابت شده است، من هرگز تا زنده‌ام آن‌ها را ترک نخواهم کرد.

گفته شد: در این صورت همه آنچه به شما داده شده، از شما سلب خواهد شد.

پاسخ داده شد: به جهنم!

آیت‌الله زربآبادی می‌گوید: از همان لحظه آن حالت از من سلب شد و یک فرد عادی شدم، دیگر از آن کشف و شهود خبری نبود. در آن هنگام متوجه شدم که شیطان از این اعمال ظاهری ما با آن همه نقصی که دارد، شدیداً در رنج و عذاب است. بنابراین تصمیم گرفتم که با تمام قدرت به اعمال مستحبی روی بیاورم و در حدّ توان چیزی از مستحبات را ترک نکنم. از فضل پروردگار در پرتو التزام به شرع مبین حالاتی به من دست داد، که حالات پیشین در برابر آن ناچیز بود.